

تحلیل انتقادی مدخل امام حسین علیه السلام در دایرةالمعارف اسلام: مطالعه موردی موضع امام حسین علیه السلام نسبت به صلح امام حسن علیه السلام

نفیسه امیری دوماری^۱، فاطمه عذرااملوی^۲

چکیده

نوشتار حاضر به تحلیل و نقد مقاله «امام حسین علیه السلام» نوشته ال. وچیا والیری در دایرةالمعارف اسلام لیدن می‌پردازد. این مقاله به بررسی موضع‌گیری امام حسین علیه السلام نسبت به صلح امام حسن علیه السلام اختصاص دارد. در این پژوهش، شبهات مطرح‌شده درباره شخصیت امام حسین علیه السلام تبیین و از منظر تاریخی نقد و بررسی شده است. برای رفع شبهات، علاوه بر منابع اهل سنت، از منابع شیعی نیز بهره‌گرفته شده که کمتر مورد توجه خاورشناسان قرار گرفته‌اند. هدف این پژوهش روشن ساختن چهره‌ای صحیح از شخصیت امام حسین علیه السلام و اثبات منزّه بودن آن حضرت از اتهامات وارده است، به‌ویژه برای پژوهشگرانی که بدون سوگیری به مطالعه شرق‌شناسی، اسلام‌شناسی و امامت‌شناسی پرداخته‌اند. محققان غربی گاه در استفاده از منابع اسلامی دچار لغزش شده‌اند و اغلب توجه بیشتری به منابع اهل سنت نشان داده‌اند. از این رو، این مقاله با بررسی منابع اهل سنت و شیعی، تصویری دقیق‌تر از شخصیت امام حسین علیه السلام و موضع‌گیری ایشان نسبت به صلح امام حسن علیه السلام ارائه می‌دهد.

واژگان کلیدی: صلح امام حسن علیه السلام، امام حسین علیه السلام، امام حسین علیه السلام پژوهی مستشرقان، دایرةالمعارف اسلام لیدن، ال. وچیا والیری.

۱. استادیار گروه قرآن و حدیث، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی‌العالمیه، قم، ایران.

Email: nafise.amiri93@gmail.com

۲. دانش‌پژوه کارشناسی ارشد علوم حدیث، از کشور هندوستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی‌العالمیه، قم، ایران.

۱. مقدمه

اسلام شناسی در غرب از دوران قرون وسطی آغاز شد، اما پژوهش‌های مرتبط با شیعه و امامت در نیمه دوم قرن نوزدهم توسعه یافت. مطالعات دانشمندان غربی نشان می‌دهد که شیعه و منابع شیعی کمتر از اسلام پژوهی کلی مورد توجه قرار گرفته‌اند. با این حال، از قرن نوزدهم به بعد، کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها و مقالات متعددی درباره شیعه پژوهی و امامت پژوهی نوشته شده است. مدخل‌های مربوط به دایرةالمعارف اسلام درباره امامان شیعه نمونه بارزی از این پژوهش‌هاست. علاوه بر آن، کتاب آنتون باراباغنون حسین علیه السلام در اندیشه مسیحیت اثری ارزشمند در زمینه امامت پژوهی به شمار می‌رود.

صلح امام حسن علیه السلام از حوادث مهم تاریخ اسلام است که میان دومین امام شیعیان و معاویه، فرزند ابوسفیان، در سال ۴۱ قمری به وقوع پیوست. این توافقنامه پس از جنگی شکل گرفت که به دلیل زیاده خواهی معاویه و امتناع او از بیعت با امام حسن علیه السلام در جایگاه خلیفه مسلمانان رخ داد. خیانت برخی سرداران سپاه امام حسن علیه السلام، حفظ مصلحت مسلمانان، جان شیعیان، و خطر خوارج از دلایل پذیرش این صلح بود. (جمعی از نویسندگان، ۲۰۲۴) برخی افراد به این صلح اعتراض کردند و به چند گروه تقسیم شدند: عده‌ای دشمن اهل بیت علیهم السلام بودند، برخی به دلیل علاقه به امام حسن علیه السلام و نگرانی از عدم تحقق آرزوی حکومت اهل بیت علیهم السلام اعتراض کردند، و عده‌ای دیگر به دلیل ناآگاهی از ماهیت صلح مخالفت کردند. (شیخ مفید، ۱۴۱۳ ه.ق، ۱۳/۲)

خانم پروفیسور ال. وچیا والیری، عرب‌شناس و اسلام‌شناس مشهور ایتالیایی، از جمله مستشرقان است که مدعی اعتراض امام حسین علیه السلام به صلح امام حسن علیه السلام شده است. وی این ادعا را در مدخلی باعنوان «امام حسین علیه السلام» در دایرةالمعارف اسلام لیدن مطرح کرده است.

دایرةالمعارف اسلام، چاپ لیدن هلند، یکی از شناخته‌شده‌ترین دایرةالمعارف‌های خاورشناسان انگلیسی‌زبان در زمینه اسلام است. این مجموعه در مدخل‌های متعدد به بررسی عقاید و آموزه‌های شیعی، از جمله آموزه امامت، امامان شیعه، مهدویت و مرجعیت پرداخته است. با این حال، متأسفانه در ارائه تصویری جامع و مستند از این آموزه‌ها موفق نبوده است. در

این مقاله، پس از معرفی نویسنده و مقاله وی در دایرةالمعارف اسلام لیدن، یکی از موضوعات مرتبط با مدخل امام حسین علیه السلام انتخاب و سپس نقد و بررسی خواهد شد.

۲. معرفی نویسنده مقاله «امام حسین علیه السلام» در دایرةالمعارف اسلام لیدن

خانم ال. وچیا والیری، عرب‌شناس و اسلام‌شناس مشهور ایتالیایی، در حوزه‌های مختلف از جمله تاریخ سیاسی تمدن اسلامی و نیز در زبان و ادبیات عرب متخصص بود. وی در سال ۱۸۹۳ متولد شد، ولی محل تولد او به طور دقیق مشخص نیست. پس از گذراندن دوره‌های ابتدایی و متوسطه، وارد رشته ادبیات و فلسفه اسلامی شد. در سال ۱۹۱۶م در زبان و ادبیات عربی ماهر گشت، و دانشگاه ناپل که محل تحصیلش بود، بعدها از وی در مقام استادی استفاده کرد. والیری ۳۰ سال در آنجا تدریس کرد. شاید این موضوع گواهی باشد بر اینکه محل تولد و رشد وی نیز ناپل بوده است. وی به زبان‌های عربی، فارسی، ترکی، فرانسوی، انگلیسی، آلمانی و اسپانیایی مسلط بود. هنگام درگذشتش در سال ۱۹۸۹، رئیس دانشگاه ناپل بود.

خانم وچیا والیری علاوه بر نگارش مدخل‌هایی درباره امامت (مانند حضرت علی علیه السلام)، حضرت فاطمه علیها السلام، حضرت حسن بن علی علیهما السلام و امام حسین بن علی علیهما السلام)، مدخل‌های دیگری نیز نوشته که برخی از آنها مربوط به اسلام و برخی دیگر مرتبط با تشیع است. برخی از این مدخل‌ها عبارتند از: فدک، خیبر، جعفر بن ابی طالب، عقیل بن ابی طالب، مالک اشتر نخعی، غدیر خم، هانی بن عروه، حره، ابراهیم بن عبدالله بن حسن، قادسیه، دومه‌الجندل، ضحاک بن قیس شیبانی، ابن ابی‌الحدید، اشعث بن قیس کندی، ابو موسی اشعری، بشر بن مروان، بشر بن ولید، هرمزان، حسان بن مالک، حرقوش بن زهیر بن سعدی، جنید بن عبدالله مری، جذیمه بن عامر، عبدالله بن عمر بن خطاب، عبدالله بن عباس، عبدالله بن عباس، البارونی، ذوقار، ابن ملجم مرادی، ابن ابی‌صالح و حروراء.

۳. نگاهی کلی به مقاله والیری

مقاله «حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام» شامل مطالبی درباره تولد، دوران کودکی و جوانی امام حسین علیه السلام، مسئله ولایت عهدی و امتناع از بیعت با وی، حرکت به سوی کوفه، حوادث میان راه، واقعه عاشورا، حوادث بعد از نبرد، بخش احادیث و داستان‌ها در مورد امام و تفسیر و برداشت آیات قرآن کریم راجع به امام حسین علیه السلام توسط شیعیان است.

والیری در مبحث حکومت معاویه، تصویری دقیق از امام حسین علیه السلام ارائه نداده و درباره موضع‌گیری امام حسین علیه السلام نسبت به صلح برادرش با معاویه، به اشتباهاتی پرداخته و سه مطلب اساسی را مطرح کرده است. وی می‌گوید: «او (امام حسین علیه السلام) بر برادرش، حسن علیه السلام در واگذاری قدرت به معاویه خرده می‌گرفت؛ درحالی‌که در قبال یک یا دو میلیون درهم به این امر گردن نهاد، علاوه بر این او بیشتر به دمشق می‌رفت و مبالغ بیشتری دریافت می‌کرد». آنچه در این پژوهش مورد نظر است، نقد و تحلیل و بررسی مطلب اول بر اساس کتب تاریخی فریقین، به ویژه کتب شیعی است.

۴. اعتراض امام حسین علیه السلام به صلح امام حسن علیه السلام در منابع اهل سنت

موضوع اعتراض امام حسین علیه السلام نسبت به صلح امام حسن علیه السلام در بسیاری از منابع تاریخی و روایی اهل سنت نقل شده است و والیری در مقاله‌اش به آن منابع استناد کرده است. از این رو، برای نقد مقاله، لازم است ابتدا این اقوال را از منابع اهل سنت ذکر کنیم. برخی از منابعی که موضوع اعتراض امام حسین علیه السلام نسبت به صلح امام حسن علیه السلام را ذکر کرده‌اند عبارتند از: ابن عساکر در کتاب تاریخ دمشق، ابن اثیر در کامل فی تاریخ، ابن خلدون در کتاب تاریخ العبر.

طبری در تاریخ خود می‌نویسد: «عثمان بن عبد الرحمان نیز روایتی چنین دارد که حسن بن علی علیه السلام به معاویه درباره صلح نامه نوشت و امان خواست. آنگاه حسن علیه السلام به حسین علیه السلام و عبدالله بن جعفر (پسرعموی خود) فرمود: به معاویه درباره صلح نامه نوشته‌ام. حسین علیه السلام فرمود:

"تو را به خدا قسم می‌دهم که قصه معاویه را تأیید و قصه علی (ع) را تکذیب نکن." حسن (ع) به او فرمود: "خاموش باش که من کار را بهتر از تو می‌دانم." (طبری، ۱۳۵۲، ۷/۲۷۱۵).

ابن اثیر در اسدالغابه نقل کرده است: «از جمله کسانی که مخالف صلح بودند و از آن اکراه داشتند، حسین (ع) بود که به برادرش گفت: "انشدک الله أن تصدق أحدوثة معاویه و تکذب أحدوثة أییک؟؛ تو را به خدا سوگند می‌دهم از اینکه سخن معاویه را تصدیق کرده و سخن حق پدرت را تکذیب کنی؟" امام حسن (ع) در جوابش گفت: "اسکت، أنا أعلم بهذا الامر منك؛ آرام باش که من به این ماجرا داناتر از تو هستم." (ابن اثیر، ۲۰۰۸ م، ۳/۴۰۵).

ابوالقاسم علی بن حسن معروف به ابن عساکر (متوفای ۵۷۱ هـ.ق) در کتاب تاریخ خود می‌نویسد: «حسن (ع) به برادرش حسین (ع) گفت: "می‌خواهم به مدینه بروم و در آنجا اقامت گزینم و خلافت را به معاویه واگذارم؛ زیرا فتنه‌ها به درازا کشید و خون‌ها ریخته شد و پیوندها گسسته و مرزها ناآرامی یافت." حسین (ع) خشمگین شد و گفت: "پناه به خدا! اگر پدرت را در آرامگاهش تکذیب کنی و سخن معاویه را بپذیری." حسن گفت: "به خدا قسم، هرچه گفتم، با آن مخالفت کردی. به خدا قسم! می‌خواهم که تو را در خانه‌ای بیندازم و درش را گل کنم تا این کار تمام شود." حسین (ع) چون عصبانیت برادر را دید، به نرمی گفت: "أنت أكبر ولد علی، وأنت خلیفتی، وأمرنا لأمرک متبع فافعل ما بدالك؛ تو بزرگ‌ترین پسران علی و جانشین او هستی و ما پیرو اندیشه تو هستیم، آنچه می‌خواهی بکن." (ابن عساکر، ۱۴۱۵، ۴/۲۱).

حمدالله مستوفی قزوینی (متوفای ۷۵۰ هـ.ق) در تاریخ گزیده می‌نویسد: «میان حسن (ع) و معاویه تنازع بود. آهنگ یکدیگر کردند. حسن صاحب تدبیر بود، دانست که بر دولت متزلزل اعتماد نباشد و بر متابعت اهل عراق وثوق نداشت. در این اثناء، مختار بن ابی عبید ثقفی اندیشه کرد که او را بگیرد و به معاویه دهد. حسن رضی الله عنه از غایت عقل پیش اندیشی کرد و با معاویه صلح کرد بر آنکه حکومت به معاویه باز گذارد و حسن با اهل بیت (ع) به مدینه رود و بیت المال عراق آنچه موجود است، او را باشد و دارا بگرد فارس بر او مسلم باشد و لعنت بر علی (ع) رافع

کنند. معاویه این شرطها را قبول کرد. حسن بر او بیعت کرد، حسین علیه السلام قبول نمی‌کرد. حسن او را الزام نمود تا بیعت کرد». (مستوفی، نوائی، ۱۳۶۲، ص ۱۹۸)

ابن خلدون (متوفای ۸۰۸ هـ.ق) در کتاب العبر می‌نویسد: «چون حسن در مدائن نزول کرد، در میان لشگر شایع شد که قیس بن سعد کشته شده، مردم به هیجان آمدند و صفوف در هم ریخت و به خیمه‌های حسن حمله کردند و دست به غارت گشودند. به معاویه نامه نوشت و گفت که از خلافت کناره می‌گیرد. چون برادرش حسین علیه السلام و عبدالله بن جعفر آگاه شدند، او را ملامت کردند، ولی او به سخنانشان گوش ننهاد...». (ابن خلدون، ۱۳۷۵، ۶۴۱/۱-۶۴۲)

۵. نقد و بررسی منابع اهل سنت

اول) این موضوع، اولین بار در کتاب تاریخ طبری مطرح شده است؛ از آنجایی که شیوه تاریخ‌نگاری طبری، ضبط و نقل وقایع از زبان راویان گوناگون، بدون هیچ‌گونه تحلیل و رسیدگی به صحت و سقم مطالب بوده است، خود وی در تأیید این مطلب می‌نویسد: «خواننده کتاب ما بدانند که بنای من در آنچه آورده‌ام و گفته‌ام، بنا به نقل راویان بوده است نه حجت عقول و اسباط نفوس و نه استدلال. از این رو خبرهای گذشتگان که در کتاب من است و خواننده عجب داند یا شنونده نپذیرد و صحیح نداند، از من نیست، بلکه از ناقلان گرفته‌ام و همچنان یاد کرده‌ام». (طبری، ۱۳۵۲، ۶/۱)

دوم) طبری این خبر را فقط از یک‌راوی به نام عثمان بن عبدالرحمن نقل کرده و استناد هم نکرده که او از چه کسی این قضیه را روایت کرده است. در نتیجه، این مطلب اعتباری ندارد. سوم) در مورد نوشته‌های ابن اثیر و ابن خلدون باید توجه نمود که آنها این موضوع را از تاریخ طبری اخذ نموده‌اند؛ همان‌گونه که ابن اثیر در مقدمه کتاب کامل خود می‌نویسد: «من نوشتن تاریخ را از کتاب بزرگ ابوجعفر محمد بن جریر طبری آغاز کردم». (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ۴/۱-۳) همچنین ابن خلدون می‌نویسد: «وقایع صدر اسلام و خلافت اسلامی، فتوحات و جنگ‌ها را از کتاب محمد بن جریر طبری خلاصه برداری کرده‌ام» (ابن خلدون، ۱۳۷۵، ۶۴۲/۱). بنابراین، وقتی

نقل طبری لغو و مردود باشد، به تبع آن نوشته ابن اثیر، ابن خلدون و دیگرانی که از طبری نقل کرده‌اند، نیز مردود خواهد بود.

چهارم) این اقوال با دیگر روایات اهل سنت در تعارض است، همان طور که ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه بیان کرده است که وقتی یکی از یاران نزدیک به امام حسن مجتبی (ع) اعتراض کرد، امام حسین (ع) با او برخورد کردند و غمز الحسین حجر؛ و امام حسین (ع) به حجر اشاره‌ای کرد (و حجر ساکت شد). (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۱۵/۱۶)

دینوری می‌نویسد: «وقتی امام حسن (ع) با معاویه صلح کرد، عده‌ای از شیعیان از این موضوع بسیار ناراحت بودند و به نزد امام حسن (ع) آمده، درخواست کردند تا قرارداد صلح را برهم زده و با معاویه بجنگند؛ اما امام حسن (ع) آنان را پاسخ گفت و پیشنهاد آنان را نپذیرفت. از این رو، به نزد امام حسین (ع) آمده و گفتند: شما به برادرت حسن و این صلح‌نامه اعتنا نکنید و با شیعیان قیام نمایید. امام حسین (ع) به آنان فرمود: «ما بیعت کرده، قرارداد بسته و صلح کرده‌ایم و هیچ راهی برای نقض قرارداد وجود ندارد» (دینوری، ۱۹۶۰، ص ۲۲۱). در گزارش دیگری آمده است که پس از شهادت امام حسن (ع)، شیعیان کوفه از امام حسین (ع) درخواست کردند که اینک نظر برادرت را رها کرده و به قیام برخیزد؛ اما امام حسین (ع) به آنان چنین نوشت: «درباره برادرم امید داشتم که خداوند در آینده او را توفیق دهد، اما امروز نظر من این است که تا زمانی که معاویه زنده است، هیچ اقدامی نکنید و در خانه‌های خود پنهان شوید و خود را از تهمت دور کنید» (دینوری، ۱۹۶۰، ص ۲۲۲).

پنجم) علاوه بر آن، برخی مستندات تاریخی و روایی اهل سنت دچار تعارض است. روایاتی دال بر آن است که پس از انعقاد صلح، امام حسین (ع) همراه برادرش امام حسن (ع) به مدینه بازگشت. (طبری، ۱۳۵۲، ۱۶۶/۵) اگر ایشان مخالف صلح می‌بود، همراه امام حسن (ع) به مدینه رهسپار نمی‌شد و در امور دیگر از ایشان اطاعت نمی‌کرد یا به مناسبت‌های مختلف مخالفت خود را با این صلح بیان می‌کرد؛ در حالی که هیچ کلامی از امام حسین (ع)، دال بر مخالفت با امام حسن (ع) یافت نشد.

ششم) صلح امام حسن علیه السلام در منابع شیعه

در مراجعه به کتاب عظیم بحارالانوار تألیف مرحوم علامه مجلسی جلد ۴۴، که در حقیقت دایره‌المعارف بزرگی است از روایات شیعه، خبری موید اعتراض و اختلاف به دست نیامده است. مراجعه به بحارالانوار از این نظر اهمیت دارد که جمیع اخبار صحیح و ناصحیح در آن جمع شده و از این نظر شبیه تاریخ طبری است. مراجعه به جلد ۴۴ بحارالانوار که در مورد اخبار و روایات مختلف تاریخ زندگی امام حسن علیه السلام می‌باشد و نیافتن خبری دال بر وجود اعتراض امام حسین علیه السلام بر سر صلح، نشانگر آن است که این موضوع نزد علمای شیعه قابل ذکر و گزارش نبوده است. در جلد مذکور بحارالانوار حدیثی به این صورت آمده است: «معاویه برای گرفتن بیعت از حسین علیه السلام او را خواست، حسن علیه السلام به او گفت: "ای معاویه! مجبورش نکن، همانا! او هرگز بیعت نمی‌کند تا کشته شود و او کشته نمی‌شود مگر اهل بیتش کشته شوند و اهل بیتش کشته نمی‌شوند تا اینکه اهل شام کشته شوند"» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۵۷/۴۴). نمی‌توان صرف وجود حدیثی در مورد عدم بیعت امام حسین علیه السلام با معاویه (دقت کنید عدم بیعت، نه اختلاف با برادر بر سر صلح) اختلاف دو امام را اثبات شده دانست، با اینکه علامه مجلسی اعتراض برخی از افراد را بیان کرده است و درباره این موضوع مفصل صحبت کرده است.

علامه مجلسی در کتاب علل الشرائع از ابوسعید نقل می‌کند که گفت: «به امام حسن علیه السلام گفتم: برای چه با معاویه مداهنه و مصالحه کردی، در صورتی که می‌دانستی حق مال تو بود، نه مال او و می‌دانستی که معاویه گمراه و ستم‌کش است؟ در جوابم فرمود: "ای ابو سعید! آیا من بعد از پدرم حجت و امام بر خلق نیستم؟" گفتم: چرا. فرمود: "آیا من آن کسی نیستم که پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله درباره من و برادرم امام حسین علیه السلام فرمود: الحسن و الحسین امامان قاما و قعدا؛ حسن و حسین امام هستند، چه قیام کنند و چه سکوت نمایند!" گفتم: چرا. فرمود: "پس من چه قیام کنم و چه سکوت نمایم امام می‌باشم. ای ابو سعید! علت صلح من با معاویه عیناً همان علتی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با بنی ضمیره و بنی اشجع و اهل مکه نمود، تفاوتی که هست این است که آنان به قرآن کافر شدند و معاویه و یارانش به تأویل قرآن کافر شدند. ای ابو سعید! اکنون که من از

طرف خدای سبحان امام و پیشوا می باشم، پس نباید امر و نحوه مدهانه و محاربه ای را که من می کنم، سفیهانه دانست ولو اینکه حکمت آن عملی که من انجام می دهم نامعلوم باشد. آیا نشنیده ای هنگامی که حضرت خضر (ع) کشتی را سوراخ کرد و آن کودک را کشت و آن دیوار را تعمیر نمود، حضرت موسی (ع) به علت اینکه فلسفه آنها را نمی دانست نپسندید و بر او اعتراض کرد؟ اگر من با معاویه مصالحه نمی کردم، احدی از شیعیان ما بر روی زمین نبود مگر اینکه کشته می شد».

طبق حدیثی که در این روایت از پیامبر اکرم (ص) نقل شده، صلح امام حسن (ع) به حق و مورد تأیید پیامبر (ص) بوده است و ابو سعید نیز آن را پذیرفته است؛ بنابراین، بعید است که امام حسین (ع)، با اینکه امام بودند، بر صلح امام حسن (ع) اعتراض کرده باشند و عملی مخالف گفتار پیامبر (ص) انجام داده باشد. به فرض اینکه برخی از گزارش های تاریخی اهل سنت را قبول کنیم و بپذیریم که امام حسین (ع) بر صلح برادرش اعتراض کرد، طبق روایات مذکور، اعتراض های ایشان مثل اعتراض موسی و خضر بوده که قرآن کریم آن را بیان کرده است؛ البته بنابر اعتقاد شیعیان، اعتراض امامی بر رفتار امام دیگر درست نیست.

در مورد رد اختلاف دو برادر، بسیار جالب است که نوشته یکی از مورخان هم عصر طبری را خاطرنشان سازیم. محمد بن علی بن اعثم کوفی (متوفای ۳۱۴ هـ.ق) می نویسد: «بعد از زخمی شدن حسن (ع) و پراکنده شدن لشکر و غارت خیمه ها، حضرت در میان معارف لشکرش گفت: "غرض من آن بود که مسلمانان را آسایشی باشد و این کار بعد از تفرقه، رونقی گیرد. بالجمله، شما با من آنچه کردید، خویش را از شما باز خواهم رهانید و با معاویه صلح خواهم نمود تارنج و غصه شما را دیگر نباید کشید و روی شما را نباید دید." حسین بن علی (ع) گفت: "ای برادر! این سخن مگوی و چنین مکن و ما را دشمن کام مگردان." حسن (ع) گفت: "ای برادر! آنچه می گویی حق و صدق است. آیا با کدام معین و ناصر با دشمنان جنگ کنم و با کدام یار و غمخوار، طلب حق خویش کنم؟ می بینی که این گروه با پدر بزرگوار ما چه کردند و امروز با من چه معامله پیش آوردند.

با این طایفه چه اعتماد و با این گروه چه امید توان بست؟" حسین بن علی علیه السلام چون این کلمات را از برادر بزرگوار خود شنید، خاموش شد. (ابن اعثم کوفی، ۱۳۷۲، ص ۷۶۳-۷۷۴)

۶. نتیجه‌گیری

نگارنده مقاله خانم والیری در مدخل امام حسین علیه السلام به نکات خوبی اشاره کرده است، اما با عنوان حکومت معاویه، تصویر درستی از امام حسین علیه السلام ارائه نداده و درباره موضع‌گیری امام حسین علیه السلام نسبت به صلح برادرش با معاویه، به خاطر تأثیر از افکار اهل سنت و عدم مراجعه به منابع شیعی، نتایج نادرستی ارائه کرده است. به همین دلیل می‌توان گفت که وی شخصیت این دو بزرگوار را منصفانه ارائه نکرده است و این موضوع سبب تضعیف شخصیت امام حسین علیه السلام می‌شود. با بررسی منابع معتبر شیعه و سنی این نتیجه حاصل شد که برخی از دانشمندان اهل سنت اعتراض امام حسین علیه السلام را پذیرفته‌اند، اما با استناد به ادله‌ای که ارائه شد، این امر پذیرفتنی نیست.

فهرست منابع

۳۵. ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبه الله (۱۴۰۴ ه.ق). شرح نهج البلاغه. قم: مکتبه آیت الله العظمی المرعشی النجفی.
۳۶. ابن اثیر (۲۰۰۸). اسد الغابه فی معرفه الصحابه. بیروت: لبنان: دارالکتب العلمیه.
۳۷. ابن اثیر، عزالدین (۱۳۸۵). تاریخ کامل. تهران: اساطیر.
۳۸. ابن اعثم کوفی، احمد بن (۱۳۷۲). الفتوح. تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
۳۹. ابن عساکر (۱۴۱۵ ه.ق). تاریخ مدینه دمشق. لبنان: بیروت: دارالفکر.
۴۰. ابن خلدون، ابوزید عبدالرحمن بن محمد (۱۳۷۵). تاریخ ابن خلدون. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۴۱. دینوری، ابوحنیفه (۱۹۶۰). الاخبار الطوال. محقق: عبد لمنعم عامر. قاهره: داراحیاء الکتب الریبه.
۴۲. شیخ مفید (۱۴۱۳ ه.ق). ارشاد. تهران: انتشارات اهل بیت علیهم السلام.
۴۳. صلح امام حسن علیه السلام. مشاهده شده در ویکی شیعه. (۲۰۲۴). اوت (۳۱)
44. [https://fa.wikishia.net/w/index.php?title=%D8%B5%D9%84%D8%AD_%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%AD%D8%B3%D9%86\(%D8%B9\)&oldid=1285932](https://fa.wikishia.net/w/index.php?title=%D8%B5%D9%84%D8%AD_%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%AD%D8%B3%D9%86(%D8%B9)&oldid=1285932).
۴۵. طبری، محمد بن جریر (۱۳۵۲). تاریخ طبری. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۴۶. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ه.ق). بحارالانوار. بیروت: مؤسسه الوفاء.
۴۷. مستوفی، حمدالله بن ابی بکر (۱۳۶۲). تاریخ گزیده. تهران: امیر کبیر.